

بسم الله الامنع الاحسن

شهادة الله انه لا اله الا هو لا يخلق ولا يموت ولا يرحم  
شيئاً ولا يموت في قبضة ملكوت كل شيء يحيى  
وامر الله انه كان على كل شيء قدير  
هو الله لا اله الا هو الغرير المحجوب  
هو الذي يبع ما يشاء  
بامر وكن فيكون هو الذي يحيى ويميت  
وان اليه كل نفس يرجع  
وله اسلم من في السموات ومن في الارض  
وان اليه كل

يرجعون وله اسلم بالليل والنهار  
وان اليه يرجعون  
وله يسجد من في السموات  
ومن في الارض ما يحيا وان اليه  
كل يوم يسجدون  
قل هو القائم على كل نفس بما كسبت  
ويشهد على ما تكسب  
وانه لهو العلم الحسيوب  
قل الله حق  
وان ما دون الله خلق  
وكل له عابدون  
فقل الله رب  
وان ما دون الله  
تسجدون  
كل له ساجدون  
وما كان الله  
ان يعزب من علمه  
من شيء  
لا في السموات  
ولا في الارض  
ولا ما بينهما  
انه كان بكل شيء  
علیماً  
وما كان الله ان يستنسخ  
عن توتيه  
من شيء  
لا في السموات  
ولا في الارض  
ولا ما بينهما  
ان

۱۷۴  
 این کان قویات را صل هو القاهر علیکم من بین یدیکم  
 و الظاهر قوی عن وراکم و المبین علیکم من فوق رؤسکم الممتنع  
 علیکم عن میسرتکم و المرفع فوقکم عن شما که لحفظ ظنکم عن کل شطکم  
 کیف یشاء بامر آیه هو القهر و الممتنع المبین القیوم و کان  
 ان یعجزه من شیء لانی السموات و لانی الارض و لا یخفیان

کان علی کل شیء قدیدرا

از اینجا یک همیشه صبح میدیم تلاوت میفرمودید آنست  
 ال محمد الخ خواستم کشف غطاء شود که عمل مطابق ذکر قوی  
 از وقت نزول قرآن تا نوزده ۹۹ سنه که عدد آیه باشد

۱۷۵  
 فایرال محمد که هر ۶۶۰۰ حرف بسم الله الرحمن الرحیم  
 گذشت و چهار سنه مزید بر صورت جمع چهار یکده بود که  
 بزمان شیعه خالص گذشت یعنی حاجی سید کاظم علیه  
 صلوات الله ثم غایب سلامه و از این جمله بود که حرف  
 بسم الله الرحمن الرحیم که کل قرآن در اوست نزد او جمع  
 شدند و نوزده روز که با اول ظهوریتر مانده بملا اعلی وصل  
 و اول سنه ۱۲۶۰ اول ظهوریتر بود و از این جمله بود و اول  
 کلمه لا حول و لا قوة الا بالله العلی اعظمیم بعد از عدد نفی  
 اثبات سنه ختم میشود و بعد ظهوریتر محمد و آل محمد  
 صلوات الله

علیه السلام الله تم کل بحسب ما یشود و چونکه ظهور متر  
ظاهر است نه ظهور بشان نبوت و ولایت بل ظهور بر  
از اینجهت بود که ظاهر شده ظهور انبی اما الله لا اله الا  
انا و درین ظهور اول کسیکه باو بیعت کرد محبت صر خواست  
نعت حدیث است بعد میراث منسبین بعد الله علیه السلام  
و این است آیه اذ قال یوسف لابیه یا ابره انما اری  
احد عشر کونیا و الشمس و القمر و ابره را یوسف علیهم السلام  
بدانکه حدیث یوسف عدد قیوم است و مراد قائم آل محمد  
علیه السلام و اوست حق قیوم و از اینجهت بود که در بی ظهور

سوره اسم خود را تفسیر کرد و هر سوره را دو آیه از قرآن  
عنوان فرمود تا اشارت به باشد بر آنکه اوست نقطه قرآن  
در باب بسمله که در حدیث است که کل قائم باوست و  
حتی آیه بدیعه شدار و اد که اشاره باشد بعد  
در آیه را تحسیم لی ساجدین سوره ذوقی القربه را  
خوانده که فضل ما از قبل بوده ولی از اینجا شکیکه ظهور ما  
ظهور ما را الله بود در قیامت اعنی رکن لا اله الا الله  
که مقام پیم است و محمد رسول الله رکن هواء است  
و علی و الامام حجج الله رکن ماء است که متعلق باهم حجت است  
در رکن

و رکن تراب متعلق بکسم رحیم است که با اول کل خلق  
میشوند برضرة لا اله الا الله و برکن ثانی رزق داده میشوند  
و ثالث میسرند و برابع رزق میشوند و اشخاصیکه همیشه  
میخواهند رضیت بالله ربنا هرگاه صادق بودند در قیامت  
داخل بارانند میشدند زیرا که دست آن بود قیامی حدیث  
بعیر الله و آیاتة یؤمنون و همه مقرر بودند که غیر الله قادر  
نیست آیه نازل شد مایه که اگر این امری میسر بود  
که از شان بنده بود از یوم ترویل شدن تا ۲۴ ساله  
که ۱۲۷ سال گذشت کسی آیه آورد و بود همین شد که

آورد و دلیل است که از غنیر خداوند نیست بل از قبل او است  
دلیل واقع وجوده اثباته و آیاتة و لیسله و همین است معنی  
عبر قرتک ایما یاد دعا و اعوذ بالله بالله در حدیث معنی  
الله اسم عرفی از نکت الخ و ما شناسانیدیم موم را  
نفس خود ولی کسی مشغول شد و قدر زناشت و اول  
کسیکه رجعت بدنی کرد و رسول خدا بود و او است  
اول رسول قائم و بعد امیر المؤمنین بود که رسالت  
طرف پوشیده را فرمود و آمد نزد شما و شناسانید  
نظر بر روز اول کنید که هفت سال غنیر او ایام  
رسول خدا

برسول خدا نداشت و امروز چه قدر مدعی ایمان هستند  
 ولایت است معنی حدیث سیرج الاسلام غریبا کا  
 ید و فطوبی لغیر ما که لکت سایر حسن میت رجوع کرده  
 و خداوند بوعده خود وفا نموده و نریزان نمون علی  
 الدین هستند بنوا الخ و در مرتبه حضرت قائم که  
 لسان آمده است انکه گردیند ایشانرا اصحاب  
 قیامت معفری برپا شد و یوم مقدار خمس الف  
 سنه ظاهر شد و کشتی خسرو نشرش شد و ظاهر شد  
 قول الله و کل شیء بالکتاب الا وجه و کل ضرا واده شد

۱۸۱  
 ولی قاریب چه فضل داخل میکنیم زیرا که نقص و جهل که  
 ۱۹ است اگر چه نوزده ولی اگر بطور عدل  
 عدل ... جز او حسین احدی مستحق ... غیر از آنکه با سوره  
 که مشت خاکی هستند بفضلیت سایر مریم سبیلی در تقاریر  
 توحید ایشان نیست قسم بخداوندیکه جامع و قضاوت  
 که کسی را مؤمن از روی بصیرت نمی عنیم ظنی را که با سوره  
 و لقه علی الناس و حج ابدیت طواف میکند بنج  
 منسوب بخداست و صاحب کلامی که حج و کل دن  
 بقول او برپاست بل نبوت نبی و ولایت ولی ثابت است  
 بقول

بقول او ۴۰۰۰۰ هزار بنص چگونگی حکم کل داعی شان را  
 هبانه نشیرا که ویم این است معنی آیه که اگر ما علی الارض را  
 نداده است نجات از قمع و آنچه دقامت است نمی بینند  
 چه مال و چه ظم که نماند این است معنی و بعد جمیعاً  
 در لباس عبودیت ظاهر میشود بحتی که دین ایشان پاست  
 و مشابه هر نفسی را بر غلش فرق نارد و نور عد و با بست  
 هر کس در باب داخل است در نور و آلاء نارا مرور اهل  
 رنار را همین بشناسید و جده و والد را از قبلین  
 فرمایند و نارائند را برده و سلام بر اهل شان در نور فرمایند